وطن امروز

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز: مهرداد بذرپاش

مدیرمسوول: محمد آخوندی سردبیر: رضا شکیبایی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج) کوچه سعید، پلاک ۹

روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۲ تحریریه: ۶۶۴۱۳۷۸۳

نمابر: ۶۶۴۱۴۱۳۷ پیام‌گیر: ۶۶۴۱۳۹۴۲

سازمان آگهی‌ها: ۶۱۰۸۶۱۶۳

پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir

چاپ: شرکت رواق روشن مهر

افق

اذان ظهر:	۱۲:۱۹	غروب آفتاب:	۱۷:۴۳
اذان مغرب:	۱۸:۰۱	نیمه‌شب شرعی:	۲۳:۳۶
اذان صبح فردا:	۵:۲۹	طلوع آفتاب:	۶:۵۴

کلام نور

سخن نیک را از هر کسی
هر چند به آن عمل نکند، فرا گیرید.
امام محمدباقر(ع)

راهنما

برنامه‌های امروز سیما

شبکه	عنوان برنامه	پخش
۱	فیلم‌سینمایی اشغالگر	۱۶:۳۵
۱	سینمایک	۲۲:۱۵
۲	سریال ایرانی حانیه	۲۱:۳۰
۳	تله‌فیلم نقب شب	۱۹:۰۰
۳	سینما پشت پرده	۲۱:۰۰
۳	فیلم‌سینمایی	۲۳:۴۵
آی فیلم	سریال شهریار	۲۱:۳۰
آی فیلم	فیلم آواز تهران	۲۲:۳۰
نمایش	فیلم‌راننده	۱۴:۰۰

رسانه‌منبر

جامعه مدنی - ۲۵

فرق فرهنگ جامعه مدنی با جامعه بربر

■ آیت‌الله سیدهاشم بطحائی گلپایگانی

اصولاً نوع بشر از هر رنگ و نژاد و زبان از یک اصل و ریشه نشأت گرفته و از نظر ساختار بدنی منهای اختلاف لسانی و رنگ پوست که موجب عدم اشتباه‌گیری یکدیگر است دارای قالب واحدی است ولذا گروهی بر گروهی دیگر امتیاز ندارد که کتاب آفریدگار یعنی قرآن مجید این حقیقت را برملا می‌کند و می‌فرماید «یا أیها الناس إنا خلقناکم من ذکر و أنثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا إن أکرمکم عندالله أتقاکم» (حجرات/۱۳) ای انسان ما شما را از مرد و زنی (آدم و حوا) آفریدیم و شما را گروه گروه و قبیله قبیله قرار دادیم تا هم‌شناسی کنید و تعاون داشته باشید و همانا گرامی‌ترین شما نزد خداوند پرهیزکارترین شماست. بدیهی است این اعلانیه خطاب به کل بشریت در طول و عرض زمین و زمان بوده و هست و منطقه جغرافیایی خاصی منظور نبوده و نیست فلذا آفریدگار یکی و مخلوق هم از نظر نوعی یکی است، مع‌ذلک تفاوت فاحشی در طول تاریخ بشر از هبوط تا امروز در همین نوع ملاحظه شده و می‌شود. تا جایی که عقلا و اندیشمندان با مطالعه‌ای که در گفتار و رفتار جامعه می‌کنند حداقل آن را به دو بخش مدنی (یعنی قانونگرا و مقید به احکام الهی و آداب و رسوم انسانی) و بربر (یعنی قانون‌گریز، خشن و زورگو، بی‌بندوبار و به دور از آداب خاص بشری) تقسیم کرده و می‌کنند لذا این چیزی است که اگر گذشته را در بایگانی تاریخ بگذاریم و از آن صرف نظر کنیم؛ وضعیت فعلی دنیا برابر چشم و عقل ما قرار دارد و با آن مواجهیم، فی‌المثل اکثریت قریب به اتفاق جامعه ایرانی با انقلابش می‌خواهد تحت لوای قوانین حیات‌بخش قرآن و سنت از یک حیات طیبه که ویژه جامعه مدنی است برخوردار باشد و به دور از هر خشونت و زورگویی و بی‌بند و باری، راه و رسم ترسیم شده از برگزیدگان الهی را خط مشی خود قرار دهد. دنیای غرب و آمریکا که اصولا متخلق به اخلاق جامعه بربر هستند با ترفندهای مختلف به معارضه برخاسته و در این دهه اخیر بحث تحریم و بستن درهای ورود و خروج مسائل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... را مرتب به رخ می‌کشند و با آن خصلت بربرگری از گزینه‌های مختلف روی میز به‌اصطلاح حتی نظامی سخن می‌گویند و با کمال تأسف برخی از سست‌ایمانان کشورمان نیز گویا تحت تأثیر این موضع‌گیری‌های توخالی قرار گرفته و حتی جوآفرینی و چنین القا می‌کنند که گویا حیات و سرنوشت ما در گرو تصمیمات و اقدامات اروپا و آمریکاست ولذا خدا و مشیت الهی و تجربه تاریخی الهی را فراموش کرده‌اند که در گذشته نیز رهبران جامعه مدنی مانند ابراهیم و موسی و پیامبر اسلام صلی‌الله علیه وآله از طرف سران جامعه بربر مانند نمرودیان و فراعنه و کفار قریش تحریم شدند اما چون متکی به خداوند متعال بودند؛ تحریم‌کنندگان شکست خوردند و نابود شدند و لذا تحریم‌شدگان با توکل به خدا و اطاعت از حضرت احدیت پیروز شده و با عزت، ماندگار تاریخ گشتند.

ادامه در صفحه ۱۲

■■ قاب روز

عکس: ایسنا

اهواز ـ حضور پرشور مردم در راهپیمایی ۲۲ بهمن با وجود گرد و خاک

■■ خبر

یمن امن است، مگر اینکه آمریکا بخواهد ناامنی ایجاد کند

گروه سیاسی: سرلشکر سیدحسن فیروزآبادی رئیس ستاد کل نیروهای مسلح در پی تحولات یمن و دستاوردهای جدید انقلابیون این کشور اظهار کرد: امروز با استقرار انقلابیون در پایتخت یمن و قرار گرفتن مراکز نظامی، امنیتی و اطلاعاتی در کنترل نیروهای انقلاب، پایتخت این کشور از امن‌ترین نقاط منطقه به حساب می‌آید. به گزارش تسنیم، وی افزود: از رفتار آمریکایی‌ها، انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها بوی توطئه برمی‌آید، آنها به‌دنبال حیله‌گری و جوسازی هستند. سرلشکر فیروزآبادی با بیان اینکه «در یمن ناامنی در کار نبوده، مگر اینکه آمریکایی‌ها و دنباله‌روهای اروپایی آنها بخواهند آن را ایجاد کنند» تصریح کرد: آنها کاری از دستشان برنمی‌آید، چرا که در کشور یمن چیزی در اختیارشان نیست! اگر کاری می‌توانستند بکنند طی یکی دو سال گذشته که در ارکان حکومت نفوذ داشتند انجام می‌دادند. رئیس ستاد کل نیروهای مسلح ادامه داد: بهتر است آمریکا، انگلیس و فرانسه دست از خباثت و رسوایی بردارند و از سفرا و مأموران فراخوانده خود از «صنعا» سوال کنند: در یمن چه خبر است؟ وی افزود: بهتر است بیش از این مانند آنچه در ایران برای خود نفرت آفریده‌اند، در یمن چنین نکنند.

■■ سلام وطن

پیامک: ۳۰۰۰۸۸/ تلفن: ۶۶۴۱۳۹۴۲

■ با توجه به روحیات ذاتاً طلبکارانه و باج‌خواهانه و سوابق سیاه ظالمانه و استعمارگرانه کشورهای غربی، اگر مذاکره‌کنندگان کشورمان در برابر آنها بار دیگر مانند توافق ژنو کوتاه بیایند و مقاومت نکنند، این بار دیگر قابل جبران نیست و قرارداد یا معاهده‌نامه‌ای که پای آن را امضا کنند، با پیشرفت علمی و احقاق حق کشور و نسل آینده مرتبط است.

نورپور

■ آمریکا مطمئن باشد با رهبری مدبر، بصیر و بسیار هوشمند که ایران اسلامی دارد، توانایی شکست ما را ندارد. آنها سعی کردند با بازی‌های سیاسی و تعلیق و تمدید و اخیراً با فریبکاری دومرحله‌ای کردن توافق هسته‌ای، بازی تمدید را که فقط به نفع آنها و صرفاً به ضرر ایران است، ادامه دهند ولی نقشه‌های شوم چندین‌ماهه آنها با یک سخنرانی چنددقیقه‌ای حضرت امام خامنه‌ای رهبر حکیم انقلاب، نقش بر آب شد.

شجاعی

■ تحریم‌ها به هیچ‌یک از اهداف آشکار و پنهان غربی‌ها که در راس آن فشار برای تسلیم شدن جمهوری اسلامی ایران در برابر خواسته‌های نامشروع آنهاست تاکنون نرسیده و از این به بعد هم به یاری خدا و پایمردی ایرانیان، ان‌شاءالله نخواهد رسید. ملت دیندار و ولایتمدار ایران اسلامی از مکتب قرآن و ولایت آموخته در هر شرایطی نباید زیر بار ذلت برود. مذاکره‌کنندگان‌مان هم باید با شعار «هیهات منا الذله» با آنها روبه‌رو شوند.

یک هموطن

■■ نقد میهمان

ضدیادداشت‌های جشنواره‌ای

فیلم یا ما قبل فیلم؟

■ مسعودفراستی

■ **بوفالو**

راستش فیلم، چنان ماقبل بد است که رغبتی برای نوشتن درباره‌اش نمی‌ماند. یک فیلم کامل هدر شده ماقبل حرفه‌ای گنگ و فاقد حس؛ خواب‌آور. اما به دو دلیل این یادداشت را می‌نویسم: اول اینکه گویا کارگردان، پسر خوبی است و دوم- مهم‌تر- حرف‌های عجیب و غریبش درباره فیلم که پر از غلط تئوریک است و توهم و سوم حرف‌ها، گویا نظرات مخدوش بسیاری از جوانان اهل سینماست.

اول از فیلم بگویم تا برسم به نظرات درباره: فیلم نوآر، آشنایی‌زدایی، نماد، پایان باز و روایت مدرن و...

آدم‌هایی مقوایی فاقد شخصیت- و نه حتی تیپ- در لوکیشنی ابری کنار مرداب (انزلی) و پایان ابتدایی انتلکت‌زده شبه‌عرفانی و بی‌معنا. تا آخر فیلم هم نمی‌فهمیم آدم اول فیلم- بوفالو- کیست یا چیست؟ چرا «بوفالو»؟ نامی فرنگی به تقلید از مثلا «بوفالو بیل»؟ این چه ربطی به فیلم ما دارد در کنار بندر انزلی؟

اعمال این آدم چرا اینقدر بی‌منطق است؟ خانواده‌اش را چرا ترک کرده و چنین منزوی در آلونکی زندگی می‌کند؟ چرا دلسوزی دارد؟ در سینما چه‌کار می‌کند؟ چه نسبتی بین بوفالو و سینما هست؟ علاقه و «نوستالژی» کارگردان به سینما، مثلا «سینما پارادیزو» است که به فیلم سرایت کرده؟ کم‌سو شدن چشمش و عینکی شدنش چه اهمیتی در درام(!) دارد؟ شاید برای نمای آخر است و عینک بوفالو در آب و جسد او. لحظه مرگ عینکی شده؟ جسد پسر را یافته یا جسد خود را؟ ربطش به پسر غرق‌شده چیست؟ شاید کلا فیلم «مینی‌مال» است و ما نمی‌دانیم؟ (مینی‌مال از نگاه دوستان یعنی چیزی نگفتن و ده‌ها حفره در قصه و شخصیت داشتن).

زن لال و نیمه‌گنگ و افسرده که چند بار ظاهر شده، کیست؟ «فم فاتال» فیلم «نوآر» است؟ یا آن زن دیگر که محور فیلم است؟ و دوست- یا شوهر- غرق‌شده‌اش. لوکیشن ابری انزلی چه کار کردی دارد؟ لوکیشن «نوآر» است؟ که فیلمساز، «بیس اصلی» فیلمش گرفته. دقت کنید: فیلم، «فضامحور» است. جغرافیای محیط مهم و تعیین‌کننده است. جغرافیا، هویت و شخصیت دارد. این ادعاها را می‌شود همین جوری ادامه داد: «شهر و مرداب انزلی، کارکرد مفهومی دارد». چرا؟ چون ابری است؟ فیلمساز عزیز ما به سبک فیلمساز «شیار ۱۴۳» و بسیاری دیگر، می‌خواسته بگوید «نماد»! رویش نشده. بارها گفته و نوشته‌ام که نماد با اختیار و اراده فیلمساز ساخته نمی‌شود که اگر بشود، نمادسازی- یا دقیق‌تر: نمادبازی- است و مضحک و از اثر جدا. نماد، از ناخودآگاه انسان و محیط او برمی‌خیزد و عمدتا در ناخودآگاه دریافت می‌شود؛ نه از خودآگاه به خودآگاه. نماد باید در حس و ذهن انسان ریشه داشته باشد و بر ادراکات حسی و تجربیات عاطفی انسان بنا شود و خصلتا باید با پدیده مورد نظر و آنچه جانشین آن شده، رابطه ذاتی و درونی داشته باشد. ریشه‌های این رابطه را باید در وابستگی کاملی که بین یک حس، یا یک فکر در یک‌سو و یک تجربه حسی در سوی دیگر وجود دارد جست‌وجو کرد. در سینما، هیچ معنا و مفهومی به طور مجرد- و خارج از عینیت و منطق عینی- ساخته نمی‌شود. همه چیز باید از عینیت گذار کند- و حسی شود- تا به ذهنیت برسد. مغلق‌گویی- و گنگ بودن- و نماد تحمیلی و خارج از اثر ساختن، نامفهوم و بی‌معنا ماندن است. این، فقط اغتشاش تولید می‌کند و اختلال در اثر. اغتشاشی که اثر را از هر معنایی تهی می‌کند. به‌راحتی هم توسط مخاطب به ریشخند گرفته و پس زده می‌شود.

مثلا این عینک، نماد کوری است یا بدتر: نماد «درونی» است و رفتن به درون.

فیلمساز ما می‌گوید: «فیلم بیرونی است وبعد درونی می‌شود.» شوخی نمی‌کند؟ فیلم کجا و با چه منطق و سیر دراماتیکی درونی می‌شود؟ فیلم، کی درونی شده که ما نفهمیدیم؟ آخرین باری که بوفالو به زیر آب می‌رود و درتوهم، جسد پسر را جسد خود می‌انگارد؟ این روند چگونه رخ می‌دهد؟ و ربط آن پسر غرق شده با بوفالو در چیست؟ «بوفالو» از کی، به درون می‌رود و عارف می‌شود؟ این حرف‌ها، بد است دیگر. به آدم می‌خندند.

فیلمساز کشف کرده- و این جمله مد جوانان امروزی است-: «آدم‌ها خاکستری‌اند و آدم بد و خوب نداریم». در ادامه می‌شود جمله مشعشع کارگردان «یخبندان»: «همه محصول شرایط‌اند». این لاطائلات، یعنی چه؟ بوفالو، آدم خوب و بد ندارد؛ دقیق‌تر آدم، ندارد. آدم خاکستری، یعنی چه؟ این درست است که آدم‌ها مجموعه‌ای از صفات خوب و بداند و خیر و شر در درون همه است. خب پس چون همه سفیدی و سیاهی داریم، هیچکس خوب نیست. و هیچ کس هم بد. درست است؟ خیر. در همین جهان فانی، آدم خوب داریم که وجه خیرش مسلط است و آدم بد که وجه شرش غالب و این جدال درونی، اصل بحث است و بسیار مایه درام دارد. کسی مثل هیچکاک و داستایوسکی می‌تواند گناه و بی‌گناهی، کشمکش دائمی خیر و شر را در درون آدم‌ها بکاود و درام خلق کند و ما را به شرور وجودمان خودآگاه‌تر کند و هوشیارتر. و از این طریق شرور را تضعیف کرده و خیر را تقویت کند. این اصل بحث هنر است.

دوستان «مدرن‌نما»- یا پست‌مدرن‌نما- مطلقا نمی‌توانند. مطلقا قادر به خلق آدم نیستند و تضادهای درونش.

و اما فضا- یا اتمسفر - فیلم «فضامحور» یعنی چه؟

دوستان، فضا لوکیشن نیست، حتی محیط هم نیست. و هر هوای ابری- یا مه گرفته- فضای «تیره و تار»- یا به قول فیلمساز فضای اروپای شرقی و فضای هانکه- نیست. فضا، ارتباط بیرونی- و بعد درونی- آدم‌ها و قصه است با محیط. فضا، زیستگاه بیرونی آدم است. آدم‌هایی که قصه‌ای دارند- نه آدم‌های بی‌قصه- و بی‌غصه. همین‌جا یادآوری کنم آدم بی‌قصه، آدم نیست. هر آدمی قصه‌ای دارد زمان‌مند و مکان‌مند.

قصه بی‌زمان- و نامتعین- قصه نیست. قصه بی‌مکان هم. لوکیشن، باید به مکان- محیط- بدل شود. خود به خود هم نمی‌شود. ساختن فضا در سینما، کاری بس دشوار است. در روزی ابری و بارانی، پلان- یا پلان سکانس گرفتن - فضاسازی نیست.

فضاسازی، احتیاج به شناخت از محیط دارد. شناختی که از تجربه، دانش و زیست می‌آید. بلدی معماری می‌خواهد و بسیار چیزهای دیگر. فضا، در میزانسن درمی‌آید نه در لوکیشن.

فضای خاص و خشن فیلم نوآر، در وحدتی دیالکتیکی با قصه، شخصیت و زمان و مکان فیلم است، نه بی‌ربط با همه چیز. نورپردازی پرکنتراست و استفاده از سایه و نقش صدا در تسلط بر تصویر و... آشوب درونی و از خودبیگانگی شخصیت را می‌رساند ؛ بدبینی، سوءظن، نومیدی و روان‌نژندی شخصیت اصلی را و دسیسه‌گری «فم فاتال» در این فضا- و شهر فاسد- و خطر مدام را.

فیلم نوآر، محصول شرایط اجتماعی دهه ۴۰ و ۵۰ میلادی در آمریکاست. همین طوری با اراده من و شما در ایران دهه نود شمسی، ساخته نمی‌شود؛ هر چقدر که «نوآر» دوست باشیم.

پدیده‌ها، مکتب‌ها، ژانرها، همین طوری به وجود نیامده‌اند خارج از تاریخ و جغرافیا. فضای سوررئال هم. به راستی سوررئال، واژه شیکی است نه؟ فضای سوررئال از فضای رئال برمی‌خیزد و باز به رئال بازمی‌گردد. فانی و الکساندر برگمان را به یاد بیاورید.

پایان باز، هم معنا دارد. هر بی‌در و پیکری و ناتوانی در بستن قصه، پایان باز نیست. پایان- باز یا بسته- منطق خود قصه است و راه‌های احتمالی قهرمان قصه، نه احتمالات بی‌شمار کارگردان یا مخاطب. هیچ باز بودنی، بدون بسته بودن نه ساخته می‌شود و نه معنا می‌یابد. باز و بسته، دو سر یک تضادند که یکی بدون دیگری معنا ندارد.

روایت مدرن که امروزه خیلی زبانزد دوستان شده و پز؛ به معنای «جزئیات مهم‌تر از کلیات» - نظر فیلمساز ما- نیست. جزئیات در فیلم‌های عالی کلاسیک بسیار بیشتر و جدی‌تر از امروز است. در ضمن جزئیات با کلیات معنا دارد. جزئی، باید کلی بدهد و کلی، بدون جزئی بی‌معناست.

روایت مدرن، بر نسبی‌اندیشی و بر روایت غیرخطی استوار است. نه بر روابط علی و معلولی خطی- کلاسیک. روایت غیرخطی و تو در تو بودن باید در ذات اثر- قصه- باشد؛ غیرخطی اندیشه شود و فرم گیرد، نه در تدوین.

در ضمن نه مدرن‌دوستی فضیلت است و نه کلاسیک‌دوستی. مدرن‌دوستی واقعی، نه ادایی، قطعا از کلاسیک گذار می‌کند. نوع نسبت ما با خود و جهان اصل است و با هنر. نسبت ما با هنر، از نسبت بالا می‌آید نه از هوا.

آشنایی‌زدایی، هم در خارج اثر نیست. ضدکلیشه رفتن نیست. روایت متفاوت هم نیست. آشنایی‌زدایی، آشنا کردن با آدم و فضاست و به تعلیق درآوردن این آشنایی در اثر. قبل از اینکه آشنا کنیم، نمی‌توانیم آشنایی‌زدایی کنیم.

ساختارشکنی هم بی‌ساختاری نیست. اول باید ساختار داشته باشیم و قاعده بلد باشیم تا بعد بتوانیم آن را بشکنیم.

این حرف‌های بدیهی درباره نمادسازی، فضاسازی، آشنایی‌زدایی، روایت مدرن یا کلاسیک و... به نظرم همچنان درک نشده- و هضم نشده- مانده و بحث اصلی و قدیمی- و همیشگی- فرم ومحتوا.

دوستان لطفا قبل از ساخت، به جای ترهات گفتن، کمی بخوانید و بیندیشید تا شاید...

در ضمن فیلم خودتان را بسازید، نه فیلم‌های دیگران و تقلیدهای مبتذل از آنها را. بهترین تقلید هم از اثری بزرگ، در بهترین حالت، دست دوم است. دست اول باشید؛ هرچقدر هم کوچک اما کمی عمیق. برقرار باشید.

درباره کوچه بی‌نام که فیلم کوچک- اما بدی- است و فیلم مزار شریف که فیلم پرمدعا- اما بسیار الکن و مفلوکی- است، بعدا خواهم نوشت و چند فیلم باقیمانده: روباه، طعم شیرین خیال و در دنیای تو ساعت چنده؟ و فیلم پر سر و صدای آقای مجیدی.

آب‌وهوا

ابوموسی	۲۰ / ۳۰	سیستان	۱۵ / ۲۸
آذرشرقی	۴- / ۸	فارس	۹ / ۲۱
آذرغربی	۳- / ۱۰	قزوین	۰ / ۱۱
اردبیل	۴- / ۳	قم	۵ / ۱۳
اصفهان	۴ / ۱۷	کردستان	۲- / ۱۲
البرز	۰ / ۱۱	کرمان	۱۹ / ۲۴
ایلام	۰ / ۱۲	کرمانشاه	۵ / ۱۴
بوشهر	۱۹ / ۲۴	کهگیلویه	۹ / ۱۲
تهران	۴ / ۱۱	گلستان	۴ / ۱۲
چهارمحال	۹ / ۱۲	گیلان	۹ / ۱۳
خراسان.ج	۹ / ۲۳	لرستان	۹ / ۱۳
خراسان.ر	۱ / ۹	مازندران	۷ / ۱۲
خراسان.ش	۱ / ۹	مرکزی	۵ / ۱۴
خوزستان	۱۱ / ۲۲	هرمزگان	۲۰ / ۳۰
زنجان	۱- / ۹	همدان	۱ / ۱۰
سمنان	۳ / ۱۶	یزد	۱۹ / ۲۴

تقویم تاریخ

■ **آغاز به کار رسمی دولت موقت انقلاب (۱۳۵۷ ش)**

دولت موقت ایران در سال ۱۳۵۷ که با نام دولت موقت انقلاب هم شناخته می‌شود، دولتی در ایران بود که پس از انقلاب از سال ۱۳۵۷ و به منظور رسیدگی به اوضاع به فرمان امام خمینی (ره) تشکیل شد و تا ۱۳۵۸، پیش از اعلام استعفای مهدی بازرگان به مدت ۹ ماه (به طور دقیق ۲۷۵ روز) بر سر کار بود.

■ **تشکیل کمیته انقلاب اسلامی ایران به فرمان امام (۱۳۵۷ش)**

با وجود سقوط رژیم شاه و پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، نیروهای مردمی، همچنان درگیر نبرد برای درهم شکستن مقاومت آخرین بقایای این رژیم وابسته بودند. همچنین گروهی دیگر از مردم، پاسداری و حفاظت از مراکز مهم و حساس را در شهرها برعهده گرفتند. از این رو وجود سازمانی منظم و متشکل برای برعهده گرفتن این مسؤولیت و نیز مبارزه با عناصر وابسته به رژیم شاه، ضروری به نظر می‌رسید. به همین جهت یک روز پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، به فرمان حضرت امام خمینی(ره)، کمیته انقلاب اسلامی برای کنترل اوضاع و برقراری نظم و امنیت تشکیل شد. همچنین به فرمان حضرت امام، سلاح‌هایی که در دست مردم بود توسط این نهاد جمع‌آوری شد. از اهم وظایف کمیته انقلاب اسلامی می‌توان به مقابله با توطئه‌های بیگانگان، دستگیری وابستگان رژیم پهلوی، جلوگیری از قاچاق اسلحه، توقیف اموال مفسدان و فراریان رژیم پهلوی، انتظامات و حفظ امنیت شهرها، روستاها و مرزها، مبارزه با فساد و بی‌بند وباری، حراست از اماکن مهم، مقابله با منافقان و خرابکاران و... اشاره کرد. سرانجام در سال ۱۳۶۹ بنا به ضرورت‌های تشخیص داده شده و با تصویب مجلس شورای اسلامی، این نهاد انقلابی با شهربانی و ژاندارمری ادغام شد و نیروی انتظامی واحدی با نام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران شکل گرفت.

■ **رحلت حکیم عارف و محدث مفسر ملامحمد محسن فیض کاشانی(۱۰۹۱ق)**

محمد بن شاه مرتضی، ملقب به محسن معروف به ملامحسن فیض کاشانی در ۱۴ صفر سال ۱۰۰۷ هجری قمری در کاشان به دنیا آمد. وی مقدمات را در زادگاه خود فراگرفت و در جوانی راهی اصفهان شد. ملامحسن در محضر علمای نامور زمان از قبیل علامه محمدتقی مجلسی، شیخ‌بهایی، میرداماد، میرفندرسکی و ملاصدرای شیرازی زانوی ادب زد و به کسب علم پرداخت. وی پس از سالیانی، راهی کاشان شد و به تدریس و تالیف همت گماشت. علم‌الهدی و معین‌الدین (فرزندان فیض)، محمد مومن (برادرش)، ضیاءالدین محمد و ده‌ها فاضل دیگر از جمله شاگردان مکتب درسی او بودند. ملامحسن همچنین در طول ۶۵ سال تحقیق و مطالعه، نزدیک به ۲۰۰ کتاب و رساله نفیس در علوم و متون مختلف نگاشت. تفسیر صافی، تفسیر اصفی و تفسیر مصفی در تفسیر، الوافی، الشافی و المَحجّه البَیضاء و ده‌ها اثر گران‌سنگ ایشان در کلام، عرفان، اخلاق، ادب و موضوعات دیگر، نشانگر روح پرتلاش و احاطه ایشان بر معارف اسلامی و علوم روز است. سرانجام این فقیه وارسته و این عالم کامل در ۸۴ سالگی دار فانی را وداع گفت و در زمینی که بعدها به قبرستان فیض معروف شد، مدفون شد. طبق وصیت ملامحسن فیض کاشانی، روی قبر وی سقف و سایبانی ساخته نشده است.

■ **تولد عالم شیعه محمدتقی رازی معروف به «آقانجفی» از مبارزان جنبش تنباکو(۱۲۶۲ق)**

شیخ محمدتقی بن شیخ محمدباقر تهرانی‌رازی معروف به آقانجفی از علمای بزرگ شیعه در قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم هجری است. وی مرجع خاص و عام و جامع معقول و منقول و حاوی فروع و اصول و تالیفات فراوان بوده است. آداب الصلوه، آداب‌العارفین، اسرارالاحکام و انیس الزائرین از جمله آنهاست. آقانجفی در شعبان ۱۳۳۱ ق در ۶۹ سالگی در اصفهان بدرود حیات گفت و در بقعه‌ای نزدیک امامزاده احمد بن علی بن امام محمدباقر(ع) به خاک سپرده شد.